28 مرداد غروب دولت ملی

اباذری، منیژه

انگلستان و امریکا سال 1330 دست به کار شدند تا دولت ملی‏ و مردمی دکتر محمد مصدق را سرنگون کنند.آن‏ها توانستند در 28 مرداد 1332 با کودتا به اهداف خود برسند.موضوع این مقاله،بررسی‏ نیروهای اجتماعی و سیاسی این دوره و تاثیر آن بر ظهور کودتای 28 مرداد و فشار و مداخله‏ی بیگانگان در قالب طرح و برنامه‏ریزی برای‏ کودتا است.

اختلاف و انشعاب در جبهه‏ی ملی

جبهه‏ی ملی که هدفش ایجاد یک پایگاه ملی و مرکزی برای‏ رهبری مبارزه علیه خودکامگی و کسب استقلال سیاسی ایران از سلطه‏ی بیگانگان بود«یک حزب نبود که اعضای آن از جنبه‏ی‏ مرامی و ایدئولوژی و ملاحظات سیاسی هم‏عقیده باشند».1

ائتلاف در آن ماهیتی نامتجانس و متفرق داشت و تنها برنامه‏یی‏ که در مورد آن اجماع و اتفاق وجود داشت،نابود کردن اتحاد استعمارگران و هیات حاکمه‏ی ایران بود که در این رهگذر شرکت نفت‏ ایران و انگلیس یک هدف و یک سلاح سیاسی تلقی می‏شد.2

پس از آن‏که مصدق به نخست‏وزیری رسید،برخی اقدامات و اصلاحات او موجب اختلاف و انشعاب در درون جبهه‏ی ملی و در نهایت شکل‏گیری جبهه‏ی مخالف وی شد.زمانی که مصدق از مجلس هفدهم تمدید اختیارات فوق العاده به مدت 12 ماه را درخواست‏ کرد،تنش در درون جبهه‏ی ملی به اوج خود رسید.عده‏یی از نمایندگان ضمن مخالفت با این درخواست از جبهه‏ی ملی کناره‏گیری‏ کردند.3

مصدق حمایت سه گروه را که نماینده بازار بودند،جامعه‏ی‏ مجاهدین اسلام،حزب زحمتکشان و فداییان اسلام از دست داد، ولیکن هم‏چنان از پشتیبانی سه گروه حزب ایران،حزب ملت ایران و نیروی سوم برخوردار بود.4

حسین مکی و مظفر بقایی که خالی از اهداف و انگیزه‏های‏ شخصی و مقاصد جاه‏طلبانه نبودند،نیز از جبهه‏ی‏ ملی جدا شدند،وخیم‏ترین انشعاب هنگامی بود که آیت اللّه کاشانی راه‏ خود را از مصدق جدا کرد.با این جدایی،جبهه‏ی ملی قدرت فراخوانی‏ توده‏ی مردم در حمایت از خود به خیابان‏ها را از دست داد.5

زمانی که اختلافات داخلی اوج گرفت و طرفین علیه یک‏دیگر به‏ فعالیت پرداختند،انگلیس و امریکا هم برای راه‏اندازی کودتا مصمم‏تر شدند،بویژه آن‏که تحولات داخلی این دو کشور نیز به نفع راه‏اندازی‏ کودتا در ایران پیش می‏رفت.

دولت ملی قربانی جنگ سرد

در انگلیس دولت محافظه‏کار وینستون چرچیل روی کار آمده بود و در امریکا نیز جمهوری‏خواهان به رهبری دوایت آیزن‏هاور به قدرت‏ رسیدند.آیزن‏هاور«مردانی را به کابینه‏اش آورد که سیاست پیشه‏گانی‏ سوداگر بودند و از ارزش جهانی نفت درک روشنی داشتند».6خطر افتادن نفت ایران به دست شوروی در دوران جنگ سرد که رقابت‏ بی‏نظیری برای هژمونی و سلطه بر جهان میان شوروی و امریکا وجود داشت.بهره‏برداری شوروی از حزب توده در خیابان‏های ایران بود که‏ امریکا را متقاعد کرد رهبری عملیات برای سرنگونی دولت مصدق را بر عهده بگیرد.7اکنون مشخص شده طرح و نقشه‏های براندازی‏ مصدق را از ابتدا دستگاه‏های اطلاعاتی انگلیس طراحی کردند و سپس سازمان سیا آن‏ها را اصلاح کرد.8

دولت شوروی هم اقدامی در حمایت از مصدق انجام نداد،زیرا با مرگ استالین مواضع رهبران جدید آن کشور استوار نشده بود و از درگیری در تحولات ایران اجتناب می‏کردند.این کشور در زمینه‏ی‏ اقتصادی با دولت مصدق همکاری نکرد و حاضر نشد 20 میلیون‏ دلاری را که ایران در آن کشور داشت،به دولت ایران بازگرداند.این‏ خودداری شوروی،بحران مالی دولت را-با توجه به تحریم نفتی و محاصره‏ی دریایی ایران و محروم شدن دولت از درآمدهای نفتی- شدت بخشید.9

به‏هرحال طرح مشترک کودتا توسط انگلیس و امریکا تهیه شد و نام رمزی عملیات را«تی.پی.آژاکس»نهادند.

عناصر داخلی کودتا

مجموعه‏یی از عناصر داخلی در اجرای کودتا با این توطئه‏گران خارجی همکاری می‏کردند.شاه و دربار،تعدادی از بازرگانان بزرگ، بعضی از روسای ایلات و زمین‏داران،نمایندگان دست‏پرورده‏ی دربار و وابسته به انگلیس،کانون افسران بازنشسته،افسران تصفیه شده، براداران رشیدیان،چاقوکشان شعبان جعفری(بی‏مخ)،ورزشکاران‏ باشگاه تاج از جمله‏ی این عناصر بودند.انگلیس شبکه‏ی جاسوسی‏ خود را در داخل ایران فعال کرد و سیا نیز در برنامه‏یی با عنوان بدامن‏ Bedaman فعالیت‏های سیاسی و تبلیغاتی خود را در ایران شدت‏ بخشید.به روزنامه‏های مخالف مصدق پول داده شد تا مقاله‏هایی‏ علیه او منتشر کنند،حتا دست‏اندرکاران رادیو را با پول خریدند.10برای‏ نمونه نقش برادران رشیدیان در کودتا این بود که دسته‏جات غیر نظامی‏ و اصناف را به خیابان‏ها بریزند.11در 28 مرداد شماری از زنان به‏ سرکردگی ملکه اعتضادی و آجودان قزی که به فساد شهرت داشتند، درحالی‏که عکس‏های شاه را در دست داشتند و شعار می‏دادند،به‏ صف اوباش پیوستند.12کودتایی که در 25 مرداد 1332 انجام گرفت‏ بر اثر تدبیر و تیزهوشی مصدق،شکست خورد و شاه به فرار از ایران‏ مجبور شد.بر اثر فعالیت دربار و عوامل جاسوسی امریکا و انگلیس، دومین کودتا علیه مصدق در 28 مرداد 1332/19 اوت 1983 م. صورت گرفت.کودتای دوم و نهایی دولت را کاملا غافلگیر کرد.دولت‏ ملی سرنگون شد.زاهدی به نخست‏وزیری رسید و شاه به ایران‏ بازگشت.بی‏تردید،بدون وجود اختلاف و تنش و نارضایتی و بی‏تفاوتی داخلی،هرگز این کودتا موفق نمی‏شد و بدون کمک خارجی‏ نیز هرگز به وقوع نمی‏پیوست.13

محصول کودتا که به صورت یک موافقت‏نامه‏ی نفتی میان ایران‏ و شرکت‏های بزرگ و چند ملیتی نفتی ظاهر شد.عملا کنترل و بازاریابی نفت و پنجاه درصد عواید حاصله را در دست شرکت‏های‏ بزرگ نفت بویژه انگلیسی و امریکایی قرار داد.

سهم امریکا به میزان چهل درصد تعیین شد و امریکا به قدرت‏ حاکم خارجی در ایران تبدیل گشت.14مداخله‏ی امریکا در سرنگونی‏ دولت انتخابی مردم به شدت افکار عمومی مردم ایران را جریجه‏دار کرد و موجب ایجاد احساس نفرت و بدبینی نسبت به کشوری شد که‏ حق حاکمیت ملی و استقلال آن‏ها را زیر پا نهاده بود.امریکا و حکومت سرکوب‏گر و خودکامه‏ی محمد رضا شاه 25 سال بعد،تاوان‏ غروب غمگین 28 مرداد را در سپیده دم 22 بهمن پس دادند.

نتیجه

مردم صبور،نجیب،فداکار و شریف ایران امروزه بعد از گذشت‏ نزدیک‏به‏یک سده از انقلاب مشروطیت،وقتی به پشت سر خود نگاه‏ می‏کند،فرصت‏هایی را می‏بیند که از دست داده و تجربه‏هایی که‏ آسان و ساده به دست نیاورد،ولی از دست داد.اگر از اشتباهات خود در جریان انقلاب مشروطیت درس می‏گرفت،مجبور به تکرار همان‏ اشتباهات در وقایع نهضت ملی شدن نفت نمی‏شد.

به خاطر داشته باشیم به دست‏آوردن دستاوردهای تاریخی مشکل‏ است و نگه‏داشتن دستاوردها مشکل‏تر،دستاوردهای مشروطیت و ملی شدن نفت به دلیل موانع و ضعف‏های تاریخی و اجتماعی چون‏ تشتت و اختلاف داخلی،کاهش حضور مردم در صحنه‏ی سیاسی، نارضایتی و بی‏تفاوتی داخلی،یأس و ناامیدی از اصلاح امور،غلبه‏ی‏ گرایش‏های افراطی و تفریطی،دین و آزادی را در تقابل با یک‏دیگر دانستن،حرمت الگوهای موجه تاریخ را لکه‏دار کردن،ناسازگار دانستن‏ مبانی شریعت با مشروطیت،کشمکش و تضاد حامیان اندیشه‏های‏ نوگرایی و سنّت‏گرایی و...سرانجام مداخله‏ی استعمارگران بیگانه که‏ منافع خود را در حاکمیت حکومت‏های وابسته می‏دیدند و به همین‏ دلیل به انواع و اقسام توطئه‏ها متوسل می‏شدند،از دست رفت.

امروزه نیز انقلاب اسلامی با همین موانع درونی و بیرونی مواجه‏ است،عواملی از بیرون-چون شیطان بزرگ امریکا-می‏خواهند به‏ دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی لطمه بزنند و عواملی از درون‏ هوشیاری و آگاهی تاریخی ما و پندآموزی از تجربه‏های پیشین ما را در رسیدن به اهداف انقلاب بزرگ اسلامی یعنی«استقلال،آزادی، جمهوری اسلامی»،«توسعه و پیشرفت»،«عدالت اجتماعی»و «جامعه‏ی معنوی و علوی»یاری خواهد رساند.

امروزه انقلاب مشروطیت و نهضت ملی شدن نفت رویدادی‏ تاریخی جلوه می‏کند،اما تا زمانی که آرزوهایی چون برقراری حاکمیت‏ مردم،قانون‏گرایی،آزادی‏خواهی،عدالت‏خواهی،برابری حقوق‏ انسان‏ها و...در ذهن و فکر ایرانی‏ست.انقلاب مشروطیت ونهضت‏ ملی شدن نفت موضوع کهنه‏یی نیستند،بلکه برای زندگی در دنیای‏ کنونی تجربه‏های ارزشمندی هستند که از آن‏ها باید درس‏ها گرفت.

به گفته‏ی«سون یات سن»:«گذشته را هرگز فراموش مکن و بگذار معلم تو باشد».

پی‏نوشت‏ها

(1)-مصدق،سال‏های مبارزه و مقاومت،سرهنگ غلام رضا نجاتی،ج دوم،تهران، رسا،چ اول،1376،ص 438.

(2)-ناسیونالیسم در ایران.ریچارد کاتم،ترجمه‏ی احمد تدین،تهران،کویر،چ دوم، 1378،ص 340.

(3)-ایران بین دو انقلاب،یرواند آبراهیمیان،ترجمه‏ی کاظم فیروزمند،(نشر مرکز، چ سوم،1379)،ص 249.

(4)-همان،ص 250.

(5)-ناسیونالیسم در ایران،ص 354.

(6)-خون و نفت،منوچهر فرمانفرمائیان و رخسان فرمانفرمائیان،ترجمه‏ی مهدی‏ حقیقت‏خواه،تهران،ققنوس،چ چهارم،1378،ص 342.

(7)-همان،ص 345.

(8)-ریشه‏های انقلاب ایران،نیکی آر:کدی،ترجمه‏ی عبد الرحیم گواهی،تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی،چ دوم،1375،ص 241.

(9)-مقاومت شکننده،ص 437.

(10)-همان،صص 441-440.

(11)-ظهور و سقوط سلطنت پهلوی،خاطرات حسین فرودست،ج اول،تهران، اطلاعات،چ هشتم،1374،ص 182.

(12)-مصدق؛سال‏های مبارزه و مقاومت،ص 103؛ظهور و سقوط پهلوی،ص‏ 182.

(13)-ریشه‏های انقلاب ایران،ص 243.

(14)-همان،ص 251 و 244 و 243.